

متن فرمایشات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه ارواحناله‌الفداء

بسم الله الرحمن الرحيم

من معمولاً در همه صحبت‌ها اول بسم‌الله می‌گویم و بعد از بسم‌الله شروع به [صحبت می‌کنم]، این صحیح است. ولی خوب اگر نگاه کنید پس چرا بسم‌الله این اثر را ندارد؟ بسم‌الله می‌گوییم ولی در این جمع ساکت نمی‌شود کسی، همان جور حرفها را ادامه می‌دهند، حرفهایشان را، یا حرفهای لازم است یا حرفهای غیرلازم است، به هرجهت ادامه می‌دهند تا وقتی که دل خودشان بخواهد. پس ما هر، ما بر هر... حرف می‌زنید بزنید. ولی خب صحیح است که با هر شروعی، برای هر مطلبی بسم‌الله بگوییم، این برای این است که خودمان قدرت پیدا کنیم. بگوییم اگر... بسم‌الله چرا نگفتی، یادت رفته یا نگفتی؟ این دیگر می‌گوید من می‌خواستم که دلم یک قوت پیدا کند که دیدم لزومی ندارد بسم‌الله، یا می‌گوید عمداً نشده، خودش فراموش شده. اما ما بسم‌الله که می‌گوییم هر بسم‌الله ما یک معنای جداگانه دارد. یعنی بسم‌اللهی که من اینجا می‌گویم، معنا اگر بخواهد بشود از این پهلویی من که می‌گوید بسم‌الله، او هم همین معنا را می‌دهد؟ نه، هیچ دو نفری نیست که در یک مسأله‌ای کاملاً مثل هم باشند، با هم باشند، به این معنا که در همه... و اموری، بسم‌الله که ما می‌گوییم به معنای شروع یک کاری است و غالباً هم این بسم‌الله که ما می‌گوییم و آن شروع کار هم که بخواهیم، جداگانه است، غیر از خودش است، یعنی ما یکجور بسم‌الله می‌گوییم و یکجور چیزی می‌خواهیم، ممکن است رفیق ما... بیشتر بخواهد. آن یک زن و شوهری ممکن است این بسم‌الله بگوید که... بخواهد در این کار، کار کنید، ولی بسم‌الله آن یکی پهلویش به عکس است، یعنی می‌خواهد که بسم‌اللهی بشود که با هم مهربان باشند و به عکس اینکه آمده بود. ولی با همین وجود که بسم‌الله [را] با یک معنای مخصوصی می‌گیرد، مثل یک عروسکی است که هر طرف یک لباس دیگری دارد، یک عروسکی است که من یک لباس می‌پوشانم، دیگران فرض کنیم یکی، هرکدام یک لباس مخصوصی، اینها باهم همگی جمع بشوند، باهم یک معنی نمی‌توانند بگیرند. این یکجور شاید... گفته که یعنی یا کسی دیگر نیاید من هستم اینجا. ولی خوب به هر صورتی که باشد به نام خداوند که ذکر کنید آن اثر را دارد تا حدی. یعنی با همین وجود که بسم‌الله این جوری است و ما به زبان فقط می‌گوییم بسم‌الله، ولی همان را هم به زبان اگر نگوییم خوب نیست، تیمناً می‌گویند، پس یک مقداری هم درواقع از حرفهای ما و از گفته‌های ما درونش بسم‌الله هست، خود بسم‌الله نه، ولی معنای بسم‌الله هست. خیلی خوب است، نه اینکه بگوییم به درد نمی‌خورد و اصلاً نگویند، نه، به درد می‌خورد، خیلی هم خوب است، بگویید، ولی توجه کنید، یعنی از خدا رسید نخواهید که آقا من یکبار بسم‌الله به تو گفتم، به من رسید بده، نه، خداوند قبول نمی‌کند. خداوند این بسم‌الله‌ها را به عنوان الله قبول نمی‌کند، به عنوان همین چه هست اینهایی که عروسک را آرایش می‌دهند؟ به معنای یکی از آنهاست که دارند آرایش می‌دهند، یک نفری گفته خودش را، حرف خودش را آرایش می‌دهد، جلویش می‌گذارد بسم‌الله.

بسم الله البته لغت عربی است ولی لغتی است که اینقدر متداول شده در بین معتقدینی که توجه به معنا، توجه به زبانی که آن را آفریده ندارند. ولی به هر جهت خوب... اسم این بسم الله را حتماً در اول کلمات بگویید. من خودم خیلی وقتها هست که غرق در افکار خودم هستم، غرق در افکار واقعیت هستم... این حرفهای که می گویند، هیچ کدام به نام خدا نیست، یادم می رود بگویم، ولی نه شماها یادتان نرود، حتماً همیشه بسم الله بگویید و آن هم به این امید که روزگاری بسم الله آنچنان معنایش دقیق باشد در ذهن شما که محتاج به هیچ گونه بسم الله دیگری نباشید.

حالا این را چرا می گوییم؟ بسم الله یعنی به نام کسی که اول این کار را کرد، این است که دیدید مثلاً در مطالعات کتاب که می خوانیم یا هر چیز دیگر، همان اول می گوید بسم الله، نه بسم الله تنها، بسم الله الرحمن الرحیم می گوید، یعنی به معنایش توجه ندارید، به امید اینکه این لفظ، معنا را به دست بیاورد. بحث این مسأله در زبان های مختلف به خصوص زبان فارسی و لغات عربی، لغات عربی... در زبان فارسی وقتی می گوییم بسم الله لغت عربی است، الله عربی است... ولی شما به هر جهت همیشه بسم الله را بگویید، به امید این باشید که این بسم الله واقعاً نام خدا را در دل شما... می کند. این بسم الله علامت این است که ما می دانیم از کجا آفریده شدیم و کی ما را خداوند آفریده و چه از ما خواسته؟ به همین جهت همین است که... منتها مثل ندانستن است، بدانید و هیچ اثری نکند در ما، مثل ندانستن است، ولی به هر جهت باید این کار را بکنیم. این بسم الله تقریباً در معانی مختلف در بعضی کتب و در بعضی عبادات یا عبادت های معینی می توانیم... بسم الله را اول آمدند در نمازها، نمازی که ما می خوانیم، واجبش هم همان جوری است که می خوانیم، در حمد و سوره هم خود عبارت "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم" و "یا" به نام خداوند "جزء قرآن است، این نیست که آن جداگانه باشد، ما اول بسم الله بگوییم بعد... جزو همان است، یعنی جوری کرده است که ما همه می دانیم که باید به نام الله شروع کنیم و در معنای واقعی اش تا اندازه ای که می توانیم... بیان کنیم. به این طریق مهمترین رکنی که در زندگی ما دیده می شود... البته بعد از این ارکانی که می بینیم و دیده می شود، ولی خب یکی مثلاً یک بحث را بلد است، این برای او مهم است، ولی هیچ کس نمی داند، خبر ندارند، ولی بسم الله چیزی است که همه خبر دارند و وقت اثرش هم همین است که همه خبر داشته باشند، برای اینکه من که بگویم بسم الله هر کسی که آن گوشه نشسته، به جای اینکه با دیگری حرف بزند، گوش می دهد و خودش در دلش می گوید الله، یک عبادتی است فردی و جمعی. خود بسم الله شامل تمام عبادت ها هست و تمام... منتها سعی کنید که بسم الله را مستقلاً بگویید و تا بتوانید معنای بسم الله را هم به اصطلاح در ذهن خودتان داشته باشید. در این بسم الله اولین قدمی است که در راه عبادت برداشته می شود و به تدریج می رود بالا، تا به هر اندازه که رفت بالا، قدرت تفکرش... شما مثلاً الان، فرشته ها را خداوند اسم برده، شما هم هر کدام را اسم ببرید مساوی با آن است، اینجوری باید بگویید که اگر این اسم را می برید، بدون اسم یاد آن شخصیتی که اسمش را دارید می برید، یاد او بیاید. در زندگی عادی ما یاد همه چیزها می افزیم، یعنی تمام خاطرات گذشته ما یک تکه است... منتها مثل زبان نیست که یکسره دیده بشود، نه، هر چیز می خواهد... به یاد بیاورید، بهتر آن است که به یادآوری های نام خدا کمک کنید. آنچه اما راجع به خدا می دانیم و می گوییم این کامل نیست، هر کسی برای خودش در لغتی که دارد

معنای خاصی قرار داده است. رسیدگی به لغات و اینکه هر لغت چه معنا دارد و چه برای ما آمده، خودش یک فصل مفصلی است در... به هر جهت ما برای اینکه همیشه به یاد خداوند باشیم، همیشه باید مثل وقتی که... یک عرفی هم هست که می‌گویند که بسم‌الله بگوییم جن فرار می‌کند، بسیار خب، در اینجا نه تنها جن فرار می‌کند، بلکه هر موجودی که به خاطر برسد غیر از خود جن فرار می‌کند، جن یعنی نادیده، یعنی چیزهای نادیده. یکی از واجباتی که هست، که مردم هم باید توجه کنند، ولی هیچ‌کس به درجه اهمیت آن فکر نمی‌کند، می‌گویید یک حرفی گفتیم و رد شدیم... در این جور جلسات شنیدید و برخورد کردید که گاهی شماها مثلاً یک مساله‌ای را، یک فکری را می‌کنید، ولی این همسایه شما در دو... آنطرف‌تر، آن هم در همان لحظه همان فکر را می‌کند، این مساله مثل هم فکر کردن خودش یک جنبه خاصی دارد، به این دلیل که همان کلامی که، همان جهاتی که حاضرین آن مجلس را وادار کرده که در آن ذهن شعری بیاد یا نمی‌دانم یادی بکنند، همان هم شما را وادار کرده. و این یک علامت مثبتی است برای بزرگانی که می‌خواهند تعلیم بدهند، یا کوچک‌هایی که می‌خواهند به دامن بزرگان آویزان بشوند، که به همان نام پیغمبر اکتفا کنند، البته پیغمبران همه یک اهمیتی از این جهت داشتند، ولی به پیغمبر ما این اهمیت داده شده که او همیشه به همه آنهايي که آنجا هستند، در دور و برش هستند، به همه آنهايي که با او حرف می‌زدند فکر می‌کند، پاسخ می‌دهد، ما هم باید همین جور فکر کنیم، مسلماً آن گفته‌ای که ما بگوییم...

خوابم نمی‌آید، شب را خوب خوابیدم، یک حالت گیجی است اینها، شاید هم یک مقداری سر و صدا، قرص و کپسولی که می‌خورم. خداوند همه این جزئیات زندگی ما که هر کدام جزوی است، وصل کرده با دیگران و همه این اعضاء با هم وصل است. یکی‌شان که خراب بشود، دیگران همه ساکت می‌شوند. منتها یک وضعیت خاصی دارد که آن هم بنا بر نوشته و گفته ریاضت‌ها اگر [به] یکی‌شان لطمه بخورد و ضعیف بشود، همه دچار ضعف می‌شوند، ولی نمی‌گذارند دیگر... این حالتی است که همه انسانها دارند و چه بهتر که همه انسانها نسبت به خودشان هم این حالت را داشته باشند. یک وقتی که مثلاً شما دندان دردتان می‌گیرد شدید، همان وقت پاهایتان هم خسته می‌شود...

دگر عضوها را نماند قرار

چو عضوی به درد آورد روزگار

ولی خب این وضعیت طبیعی است برای انسان، ولی خداوند جوریش کرده اینها [را] که بهم ریختن اجتماع مردم نشود، این حرف را هم می‌گویند، ولی بر این حالت مسلط هستند.

چه راجع به این مساله یا آنچه صحبت شده یا خواهد شد، اگر سؤالی دارید بنویسید، نه اینکه من حتماً می‌گویم، نه، من هم ممکن است بلد نباشم، نمی‌گویم، ولی اگر بلد باشم می‌توانم بگویم.

